

ساختار عاملی و همسانی درونی یک مقیاس هویت اخلاقی

Factor Structure and Internal Consistency of a Moral Identity Scale

Zohreh Majdabadi, PhD
Assistant Professor
Payame-Noor University

زهرة مجدآبادی
استادیار دانشگاه پیام نور

چکیده

این بررسی با هدف آزمون ساختار عاملی و همسانی درونی مقیاس ده‌ماده‌ای هویت اخلاقی آکینو و رید (۲۰۰۲) مبتنی بر رگه‌های اخلاقی به‌دست‌آمده از نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی انجام شد. نمونه پژوهش از ۴۲۹ دانشجو (۳۱۳ زن، ۱۱۱ مرد، ۵ نفر بدون گزارش) تشکیل شد. بر اساس نتایج تحلیل عامل اکتشافی دو عامل شناسایی شد که ۵۰/۴۱ درصد از واریانس هویت اخلاقی را تبیین معنادار کردند: نمادی‌سازی (۳۴/۶۷ درصد) و درونی‌سازی (۱۵/۷۴ درصد). همسانی درونی عوامل نمادی‌سازی و درونی‌سازی به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۶۱ بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل دو عاملی نسبت به مدل تک‌عاملی برازش بهتری با داده‌ها دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، الگوی نظری آکینو و رید در زمینه هویت اخلاقی برای اندازه‌گیری در فرهنگ ایرانی روایی کافی دارد.

واژه‌های کلیدی: هویت اخلاقی، ساختار عاملی، همسانی درونی

Abstract

The aim of this study was to test the factor structure and internal consistency of the 10-item moral identity of (Aquino & Reed, 2002) based on moral traits of an Iranian sample of college students. The sample consisted of 429 students (313 females, 111 males, 5 not reported). The exploratory factor analysis identified two factors accounting for 50.41% of the variance: Symbolization (34.67%) and internalization (15.74%). Internal consistency of the symbolization and internalization factors were 75% and 61%, respectively. The confirmatory factor analysis results indicated that the two factor model fitted the data better than one factor model.

Keywords: moral identity, factor structure, internal consistency

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

received: 29 September 2017

accepted: 2 January 2017

Contact information: z.majdabadi@pnu.ac.ir

دریافت: ۹۶/۷/۸

پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۰

مقدمه

مطالعات علمی در مورد روان‌شناسی و تحول اخلاقی بودن در انسان با کار پیشگامانه کلبگ^۱ (۱۹۶۹) در باب نظریه تحولی شناختی آغاز شد، اما این نظریه‌ها و پژوهش‌ها به‌طور عمده بر فرایندهای قضاوت اخلاقی مبتنی بر تأمل^۲ (فرایندهای تفکر هشیارانه‌ای که انسان‌ها با آن‌ها اخلاقی بودن یا نبودن عمل بخصوصی را تعیین می‌کنند) متمرکز بود و بر پیشایندهای عمل اخلاقی کمتر تأکید داشت (هاردی و کارلو، ۲۰۱۵). صاحب‌نظرانی چون بلاسی (۱۹۸۰) پی بردند که رابطه بین قضاوت اخلاقی و عمل اخلاقی تا حدی ضعیف است، و کلبی و دامون (۱۹۹۲) نشان دادند افرادی که از نظر اخلاقی در سطح بالایی قرار دارند، ظرفیت استدلال اخلاقی چندان پیشرفته‌ای ندارند. بدین ترتیب، مسئله شکاف قضاوت اخلاقی - عمل اخلاقی مطرح و مفهوم هویت اخلاقی^۴ در کوشش برای پر کردن این شکاف در حوزه روان‌شناسی اخلاق پدیدار شد. هویت اخلاقی را اهمیت اخلاقی بودن در هویت شخص و منبع انگیزش در تحول اخلاقی و رفتار اخلاقی، که قضاوت اخلاقی را به عمل اخلاقی پیوند می‌دهد، تعریف کرده‌اند (هاردی، بین و اولسن، ۲۰۱۴؛ هاردی، والکر، اولسن، وودبری و هیکن، ۲۰۱۴). بسیاری از مؤلفان (برای مثال، آکینو، فریمن، لیم و فلیس، ۲۰۰۹؛ لپسلی و لسکی، ۲۰۰۱) استدلال کرده‌اند که هویت اخلاقی تعیین‌کننده مهم رفتار اخلاقی است، و شواهد تجربی فزاینده‌ای این ادعا را تأیید می‌کند (شاو، آکینو و فریمن، ۲۰۰۸).

اندازه‌گیری سازه‌های روان‌شناختی همواره برای صاحب‌نظران چالش‌انگیز بوده و سازه هویت اخلاقی هم از این امر مستثنا نیست. تاکنون برای اندازه‌گیری این سازه از روش‌های متفاوت استفاده شده است. در یک روش از شرکت‌کنندگان خواسته شد مجموعه‌ای از رگه‌های اخلاقی و غیراخلاقی را از نظر اهمیتی که برای احساس خود آن‌ها دارد درجه‌بندی کنند و سپس تفاوت بین میانگین درجه‌بندی‌های

اخلاقی و غیراخلاقی را محاسبه کردند (برای مثال، هاردی، ۲۰۰۶). در بررسی‌های دیگر، هویت اخلاقی بر حسب نمونه اخلاقی بودن^۵ (برای مثال، متسوبوا و والکر، ۲۰۰۴)، مشارکت در کار عام‌المنفعه^۶ (برای مثال، هارت، اتکینز و فورد، ۱۹۹۹) یا با مصاحبه (برای مثال، والکر و فریمر، ۲۰۰۹) اندازه‌گیری شده است.

از پژوهشگرانی که سازه هویت اخلاقی را اندازه‌گیری کرده‌اند آکینو و رید (۲۰۰۲) هستند که نوعی مقیاس خودگزارش‌دهی را طراحی کردند که تاکنون به‌طور گسترده برای اندازه‌گیری هویت اخلاقی به کار گرفته شده است (هاردی و دیگران، ۲۰۱۴). آکینو و رید، با بهره‌گیری از دیدگاه بلاسی^۷ (۱۹۸۳) و اریکسون^۸ (۱۹۶۴) و دیدگاه اجتماعی - شناختی در مورد هویت اخلاقی و در نهایت با در نظر گرفتن هویت اخلاقی به عنوان مؤلفه هویت اجتماعی که بخشی از خودطرحواره‌های اجتماعی^۹ شخص محسوب می‌شود، به ساخت مقیاس هویت اخلاقی اقدام کردند. در الگوی آکینو و رید، هویت اخلاقی به صورت خودپنداشتی^{۱۰} تعریف شده که بر محور مجموعه‌ای از رگه‌های اخلاقی سازمان یافته است. این تعریف از هویت اخلاقی مختص به رگه^{۱۱} و مبتنی بر تعاریف اجتماعی - شناختی از خود است (مجدآبادی، ۱۳۹۴ الف).

آکینو و رید (۲۰۰۲) در بررسی مقدماتی نخست در ۱۱۲ دانشجوی رشته بازرگانی با هدف شناسایی مجموعه‌ای از رگه‌هایی که به‌طور قابل اعتماد هویت اخلاقی را فراخوانند به نه رگه اخلاقی دست یافتند: دلسوز، دلرحم، عادل، خوش‌برخورد، بخشنده، سخت‌کوش، کمک‌کننده، صادق و مهربان. و پس از سنجش روایی این رگه‌ها در بررسی مقدماتی دوم با خزانه‌ای سیزده‌ماده‌ای مبتنی بر نظریه‌پردازی اریکسون (۱۹۶۴) از هویت یعنی الف) هویت ریشه در اعماق وجود فرد دارد، و ب) هویت به معنای صادق بودن با خود در عمل، به تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی مقیاس در قالب دو بررسی در دو نمونه متفاوت پرداختند. آکینو و رید بیان داشتند که این دو

1. Kohlberg, L.
2. deliberative
3. precursor
4. moral identity

5. moral exemplar
6. community service
7. Blasi, A.
8. Erikson, E.

9. social self-schema
10. self-conception
11. trait specific

روش

روش پژوهش، در سطح ماهیت یافته‌ها، اکتشافی، و در سطح گردآوری داده‌ها، توصیفی و، در سطح برهه‌های اندازه‌گیری، مقطعی است. نمونه پژوهش کنونی متشکل از ۴۲۹ (۳۱۳ زن، ۱۱۱ مرد، ۵ نفر بدون گزارش) دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه پیام نور (۸۳ درصد) و آزاد اسلامی با میانگین سنی ۲۱/۷۴ و انحراف استاندارد ۴/۹۰ بود که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به تحصیل اشتغال داشتند. ۷۲ درصد شرکت‌کنندگان مجرد بودند. با انتخاب در دسترسی از کلاس‌های رشته‌های علوم انسانی (۶۵ درصد، پیام نور و آزاد)، علوم مهندسی (۲۱ درصد، پیام نور)، و علوم پایه (۱۱ درصد، پیام نور) ابزار اندازه‌گیری در مورد نمونه پژوهش اجرا شد.

ابزار اندازه‌گیری این پژوهش، خودگزارش‌دهی بر مبنای رگه‌های اخلاقی به‌دست آمده از پژوهش انجام شده در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی (مجدآبادی، ۱۳۹۴ ب) و ماده‌های مقیاس هویت اخلاقی آکینو و رید (۲۰۰۲) بود. این مقیاس ده‌ماده‌ای دو بُعد درونی‌سازی (۵ ماده؛ میزان اهمیت رگه‌های اخلاقی برای خودپنداشت فرد؛ $\alpha = 0.73$) و نمادی‌سازی (۵ ماده؛ میزان انعکاس رگه‌های اخلاقی در عمل فرد در جهان؛ $\alpha = 0.82$) را می‌سنجد. نمونه‌ای از ماده‌های بُعد درونی‌سازی عبارت است از «واقعاً برای من مهم نیست که این ویژگی‌ها را داشته باشم» و نمونه‌ای از ماده‌های بُعد نمادی‌سازی عبارت است از «نوع کتاب‌ها و مجلاتی که می‌خوانم نشان می‌دهد که من این ویژگی‌ها را دارم.» ماده‌های مقیاس آکینو و رید ترجمه معکوس^۹ شدند و درنهایت، مقیاسی که در پژوهش کنونی اجرا شد حاوی ده ماده لیکرتی با پنج درجه از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) و نه رگه اخلاقی (بادب، قابل اعتماد، صادق، دارای احترام به خود، منطقی، عادل، وفادار، باایمان، و صبور) بود. این مقیاس به‌طور گروهی در کلاس‌های منتخب اجرا شد.

یافته‌ها

نتایج این پژوهش در قالب ساختار عاملی، تحلیل عاملی تأییدی و همسانی درونی مقیاس ارائه می‌شود.

جنبه هویت اخلاقی از سنت طولانی پژوهش‌های اجتماعی - روان‌شناختی پیروی می‌کند که هم بعد خصوصی^۱ و هم بعد عمومی^۲ «خود» را در نظر می‌گیرند (شلنکر^۳، ۱۹۸۰؛ فنیشتاین^۴، شایر^۵، و باس^۶، ۱۹۷۵، به نقل از آکینو و رید، ۲۰۰۲). نتیجه نهایی این بررسی‌ها به شکل‌گیری مقیاس ده‌ماده‌ای با دو بعد درونی‌سازی^۷ (میزان اهمیت رگه‌های اخلاقی برای خودپنداشت فرد) و نمادی‌سازی^۸ (میزان انعکاس رگه‌های اخلاقی در عمل فرد در جهان) منجر شد. شواهد فراوانی از روایی پیش‌بین این الگوی دو بعدی گزارش شده است (بوگرشاوزن، آکینو، و رید، ۲۰۱۵).

در پژوهش‌های تحولی دوره دانشجویی مرحله‌ای مهم در کنش‌وری اخلاقی است (پری، ۱۹۹۹). در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی عظیم‌پور، نیسی، شهنی‌بیلاق، ارشدی و بشلیده (۱۳۹۳) مقیاس هویت اخلاقی آکینو و رید (۲۰۰۲) را با اضافه کردن دو ماده اعتباریابی کردند و به نتایجی دال بر اعتبار مقیاس دست یافتند. در پژوهش مجدآبادی (۱۳۹۴ ب) بر اساس الگو و روش‌شناسی آکینو و رید (۲۰۰۲) در نمونه‌ای از دانشجویان در قالب دو بررسی، رگه‌های اخلاقی فراخواننده هویت (مطالعه اول، ۱۲۲ نفر) شناسایی و روایی آن‌ها سنجیده شد (بررسی دوم، ۲۱۷ نفر). بر اساس این دو بررسی نه رگه اخلاقی تعیین شد: بادب، قابل اعتماد، صادق، دارای احترام به خود، منطقی، عادل، وفادار، باایمان و صبور. با توجه به اهمیت دستیابی به مقیاس‌های مبتنی بر فرهنگ ایرانی، این پژوهش در ادامه پژوهش پیشین (مجدآبادی، ۱۳۹۴ ب) با هدف شناخت ساختار عاملی و همسانی درونی مقیاس هویت اخلاقی اجرا شده است. از آنجا که ماده‌های مقیاس آکینو و رید بر اساس نظریه‌ها و پیشینه پژوهشی مستحکمی بنا شده، در بررسی کنونی با حفظ ماده‌های این مقیاس، اما با رگه‌های اخلاقی فراخواننده هویت در نمونه ایرانی، به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد: (۱) ساختار عاملی مقیاس چگونه است؟ و (۲) آیا مقیاس همسانی درونی کافی دارد؟ با توجه به اکتشافی بودن این پژوهش، فرضیه‌ای مطرح نمی‌شود.

1. private

2. public

3. Schlenker, B. R.

4. Fenigstein, A.

5. Scheier, M. F.

6. Buss, A. H.

7. internalization

8. symbolization

9. back translation

عاملی هستند. جدول ارزش ویژه در تحلیل عاملی دو عامل با بار ارزشی بالاتر از ۱ را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج جدول واریانس استخراجی مشخص شد که اولین عامل (نمادی سازی) ۳۴/۶۷ درصد و دومین عامل (درونی سازی) ۱۵/۷۴ درصد از واریانس هویت اخلاقی را تبیین معنادار می‌کند. نتایج نمودار اسکری کتل نیز مبین دو عاملی بودن مقیاس است. در جدول ۱ ماتریس چرخش یافته با چرخش واریماکس گزارش شده است.

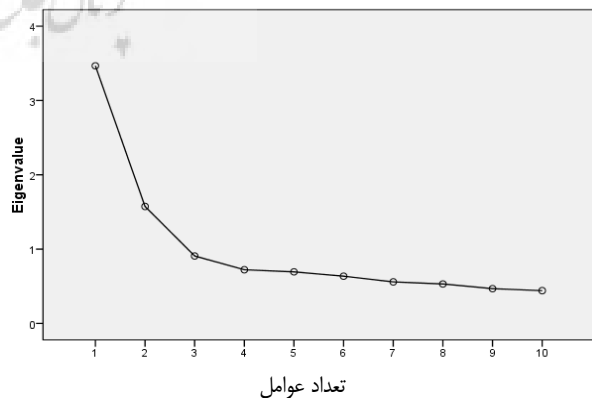
در ابتدا ساختار عاملی مقیاس، با استفاده از روش تحلیل مؤلفه اصلی، بررسی و از آزمون کرویت بارتلت^۱ و شاخص کایزر-میر-اولکین^۲ برای تعیین کیفیت نمونه‌برداری استفاده شد. آزمون بارتلت نشان داد که آماره^۳ $\chi^2(8, 894/230)$ ، درجه آزادی ۴۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. شاخص کایزر - میر - اولکین هم مقدار ۰/۸۲۴ را نشان داد. این دو نتیجه بیانگر کیفیت نمونه‌برداری و نیز شاخص‌های خوبی برای مناسب بودن به کارگرفتن تحلیل

جدول ۱

ماتریس چرخش یافته عوامل مقیاس هویت اخلاقی

ماده‌ها	بار عاملی	میزان اشتراک	ماده‌ها	بار عاملی	میزان اشتراک
عامل ۱ نمادی سازی					
۳. نوع کتاب‌ها و مجلاتی که می‌خوانم نشان می‌دهد که من این ویژگی‌ها را دارم.	۰/۷۲۱	۰/۰۱۷	۰/۵۲۱		
۵. کارهایی که در وقت فراغتم (مثلاً سرگرمی‌هایم) انجام می‌دهم به روشنی نشان می‌دهد که من این ویژگی‌ها را دارم.	۰/۷۳۵	۰/۱۲۹	۰/۵۵۶		
۷. من فعالانه در کارهایی شرکت دارم که به دیگران نشان می‌دهد که من این ویژگی‌ها را دارم.	۰/۶۵۸	۰/۱۶۱	۰/۴۵۹		
۸. من بیشتر اوقات لباس‌هایی می‌پوشم که نشان می‌دهد من این ویژگی‌ها را دارم.	۰/۶۴۰	۰/۱۴۵	۰/۴۳۱		
۱۰. عضویت من در سازمان‌های خاصی به دیگران این واقعیت را نشان می‌دهد که من این ویژگی‌ها را دارم	۰/۷۳۸	۰/۰۴۱	۰/۵۴۷		
عامل ۲ درونی سازی					
۱. اینکه فردی باشم که این ویژگی‌ها را دارد، احساس خوبی در من ایجاد می‌کند.	۰/۱۶۸	۰/۶۸۶	۰/۴۹۸		
۲. اینکه فردی باشم که این ویژگی‌ها را دارد، بخش مهمی از کیستی من است.	۰/۴۰۵	۰/۵۶۵	۰/۴۸۳		
۴. از اینکه این ویژگی‌ها را داشته باشم احساس شرمندگی می‌کنم. (م)	-۰/۱۲۳	۰/۷۰۰	۰/۵۰۶		
۶. واقعاً برای من مهم نیست که این ویژگی‌ها را داشته باشم. (م)	۰/۰۹۹	۰/۷۷۹	۰/۶۱۷		
۹. به شدت آرزو دارم که این ویژگی‌ها را داشته باشم.	۰/۴۴۴	۰/۴۷۷	۰/۴۲۴		

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ۸ ماده واجد این معیارها هستند: الف) بار عاملی ۰/۵ یا بیشتر در یک عامل، ب) بار کمتر از ۰/۴ در عامل دوم، و پ) افتراق بار بین ماده‌ها^۳ در دو عامل کمتر از ۰/۲ (آکینو و رید، ۲۰۰۲). بدین ترتیب، عامل اول با ۵ ماده، میزان انعکاس رگه‌های اخلاقی را در اعمال شرکت‌کننده در جهان می‌سنجد که به آن نمادی‌سازی اطلاق می‌شود و عامل دوم با ۳ ماده، میزان اهمیت رگه‌های اخلاقی را برای خودپنداشت شرکت‌کننده اندازه‌گیری می‌کند، که درونی‌سازی نامیده می‌شود. ضرایب آلفای کرونباخ که مبین همسانی درونی ماده‌هاست برای عامل اول ۰/۷۵ ($M=16/91, SD=3/67$) و برای عامل دوم ۰/۶۱ ($M=13/40, SD=1/95$) به دست آمد. طبق نظر



شکل ۱. اسکری کتل: تعداد عوامل اشباع شده

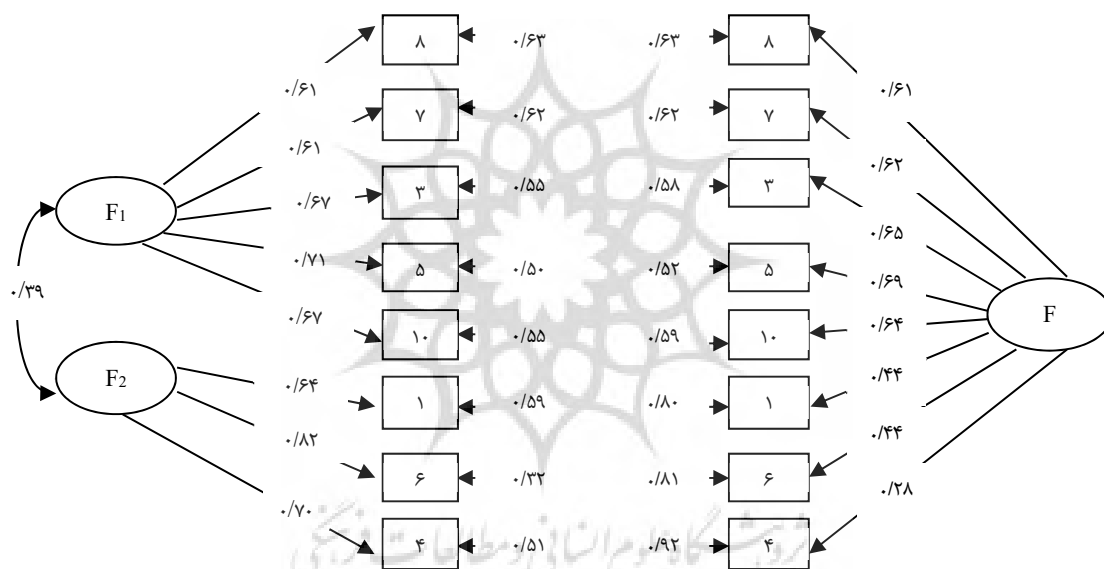
اکتشافی تأیید شود، با بهره‌گیری از نرم‌افزار لیزرل (جورسکاگ و سوربوم، ۲۰۰۳) تحلیل عاملی تأییدی اجرا شد. در این پژوهش مدل تک‌عاملی و مدل دوعاملی ارزشیابی شدند. نتایج در جدول ۲ و شکل ۲ گزارش شده است.

نانالی و برنشتاین (۱۹۹۴) برای اینکه ابزار خودگزارش‌دهی اعتبار داشته باشد، ضریب همسانی درونی با روش آلفای کرونباخ باید حداقل ۰/۶۰ باشد. برای اینکه ساختار عاملی به‌دست‌آمده از تحلیل عاملی

جدول ۲

شاخص‌های برازندگی مدل‌های مربوط به مقیاس هویت اخلاقی

مدل	χ^2	df	χ^2/df	RMSEA	GFI	CFI	NFI
تک‌عاملی	۳۳۰/۶۷	۲۰	۱۶/۵۳	۰/۲۰۳	۰/۸۲	۰/۷۷	۰/۷۶
دوعاملی	۸۴/۳۶	۱۹	۴/۴۴	۰/۰۹۶	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۹۳



شکل ۲. ساختار دو مدل تک‌عاملی و دوعاملی مقیاس هویت اخلاقی

توجه: همه ضرایب مسیر در مدل دوعاملی در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار هستند.

به‌دست‌آمده از پژوهش پیشین (مجدآبادی، ۱۳۹۴) در یک گروه نمونه دانشجویان و بررسی همسانی درونی آن بود. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی نشان داد که مقیاس هویت اخلاقی در نمونه ایرانی واجد ساختار دوعاملی است: نمادی‌سازی و درونی‌سازی؛ دو عاملی که در پژوهش آکینو و رید (۲۰۰۲) نیز به دست آمده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، الگوی نظری آکینو و رید در زمینه هویت اخلاقی برای اندازه‌گیری در فرهنگ ایرانی روایی کافی دارد. اصل اساسی در الگوی اجتماعی - شناختی، که آکینو و رید در مفهوم‌پردازی خود

از آنجا که آماره‌ی دو بسیار تحت تأثیر حجم نمونه است، از پنج شاخص برازندگی برای ارزشیابی کفایت مدل‌های مورد آزمون استفاده شد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که مدل تک‌عاملی ۸ ماده‌ای با داده‌ها برازش مناسب ندارد، اما این شاخص‌ها با یک مدل دوعاملی بهبود یافتند.

بحث

هدف از این پژوهش آزمون روایی عاملی مقیاس هویت اخلاقی مبتنی بر الگوی آکینو و رید (۲۰۰۲) با رگه‌های اخلاقی

منابع

- عظیم‌پور، ع.، نیسی، ع.، شهینی‌بیلاق، م.، ارشدی، ن. و بشلیده، ک. (۱۳۹۳). اعتباریابی مقیاس اهمیت برای خویشتن هویت اخلاقی برای دانشجویان. *فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی*، ۳(۴)، ۳۸-۱۹.
- مجدآبادی، ز. (۱۳۹۴ الف). *درآمدی به هویت اخلاقی*. گرانت پژوهشی. دانشگاه پیام نور استان سمنان.
- مجدآبادی، ز. (۱۳۹۴ ب). *هویت اخلاقی: شناسایی و سنجش روایی رگه‌های اخلاقی*. فصلنامه *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۱(۴)، ۳۶۷-۳۷۸.

- Aquino, K., & Reed, A. (2002). The self-importance of moral identity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83, 1423-1440.
- Aquino, K., Freeman, D., Reed, A., Lim, V. K. G., & Felps, W. (2009). Testing a social cognitive model of moral behavior: The interactive influence of situations and moral identity centrality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 97, 123-141.
- Blasi, A. (1980). Bridging moral cognition and moral action: A critical review of the literature. *Psychological Bulletin*, 88, 1-45.
- Boegershausen, J., Aquino, K., & Reed, A. (2015). Moral identity. *Current Opinion in Psychology*, 6, 162-166.
- Colby, A., & Damon, W. (1992). *Some do care: Contemporary lives of moral commitment*. New York: Free Press.
- Hardy, S. A., & Carlo, G. (2015). Moral Identity. In A. Scott & M. C. Buchmann (Eds.), *Emerging trends in the social and behavioural sciences* (pp. 1-14). Hoboken: Wiley.
- Hardy, S. A., Bean, D. S., & Olsen, J. A. (2014). Moral identity and adolescent prosocial and antisocial behaviors: Interactions with moral disengagement and self-regulation. *Journal of Youth and Adolescence*. Advance online publication. doi: 10.1007/s10964-014-0172-
- Hardy, S. A., Walker, L. J., Olsen, J. A., Woodbury, R. D., & Hickman, J. R. (2014). Moral identity as moral ideal self: Links to adolescent outcomes. *Developmental Psychology*, 50 (1), 45-57.

از هویت اخلاقی از آن اقتباس کرده‌اند، این است که نشانه‌های موقعیتی (برای مثال، دیدن پرچم کشور) از طریق فعال کردن یا غیرفعال کردن برخی از ساختارهای دانش (برای مثال، هویت ملی فرد) یا طرحواره‌ها در خودپنداشت فعال فرد، بر پردازش اطلاعات اجتماعی بلافاصله تأثیر می‌گذارد. در این الگو همچنین فرض شده است که برخی از طرحواره‌ها معمولاً از دیگر طرحواره‌ها، برای چنین پردازشی، به‌طور فوری‌تر در دسترس‌اند. این دو وجه طرحواره‌ها هم علت ثابت درون فردی و هم انسجام منش اخلاقی فرد و هم تغییرپذیری رفتار اخلاقی در موقعیت‌ها هستند. بر مبنای این الگو، هویت اخلاقی به عنوان شبکه‌ای از پیوند رگه‌های اخلاقی مفهوم‌پردازی می‌شود که مجموعاً منش اخلاقی شخص را تعریف می‌کند (بوگرشاونس و دیگران، ۲۰۱۵).

در این پژوهش سطوح پذیرفتنی ضرایب آلفای کرونباخ برای دو زیرمقیاس نمادی‌سازی (۰/۷۵) و درونی‌سازی (۰/۶۱) به دست آمد. آکینو و رید (۲۰۰۲) ضرایب ۰/۸۲ و ۰/۷۳ را به‌ترتیب برای نمادی‌سازی و درونی‌سازی گزارش کرده‌اند.

بوگرشاونس و دیگران (۲۰۱۵) در بازنگری پژوهش‌های مربوط به هویت اخلاقی با استفاده از الگوی آکینو و رید گزارش کرده‌اند که شواهد فراوانی از روایی پیش‌بین این الگوی دویعدی وجود دارد. آن‌ها پی بردند که نوع پیامدهای اخلاقی مورد بررسی بر این مسئله تأثیر می‌گذارد که کدام بعد هویت اخلاقی بیشتر اهمیت دارد. از آنجا که پژوهش‌های اندکی در ایران در زمینه هویت اخلاقی صورت گرفته است، تعمیم این نتایج به پژوهش‌های بیشتر با نمونه‌های ایرانی نیاز دارد.

نتایج این پژوهش صرفاً مقیاس روا و معتبری برای اندازه‌گیری هویت اخلاقی، برحسب مبانی نظری پذیرفته‌شده، به دست داد. از آنجا که نمونه پژوهش را عمدتاً زنان دانشجویان تشکیل داده‌اند و از روی آورد عاملی استفاده شده، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه با نمونه مساوی از زنان و مردان، و گروه‌های متفاوت جمعیت و با روی آورد آماری متفاوت انجام گیرد. ضمناً بررسی در این پژوهش به ساختار عاملی و همسانی درونی مقیاس هویت اخلاقی محدود بود؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی دیگر ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس بررسی شود.

- organizations. *Journal of Personality*, 72, 413-436.
- Nunnally, J., & Bernstein, I. (1994). *Psychometric Theory*. New York: McGraw Hill.
- Perry, W. G. (1999). *Forms of ethical and intellectual development in the college years: A scheme*. San Francisco, CA: Josey-Bass.
- Shao, R., Aquino, K., & Freeman, D. (2008). Beyond moral reasoning: A review of moral identity research and its implications for business ethics. *Business Ethics Quarterly*, 18, 513-540.
- Walker, L. J., & Frimer, J. A. (2009). The song remains the same': Rebuttal to Sherblom' envisioning of the legacy of the care challenge. *Journal of Moral Education*, 38, 53-68.
- Hart, D., Atkins, R., & Ford, D. (1999). Family influences on the formation of moral identity in adolescence: Longitudinal analyses. *Journal of Moral Education*, 28, 375-386.
- Hardy, S. A. (2006). Identity, reasoning, and emotion: An empirical comparison of three sources of moral motivation. *Motivation and Emotion*, 30, 207-215.
- Joreskog, K., & Sorbom, D. (2003). *LISREL, 8.5 ed.* Scientific Software International, Inc., Chicago.
- Lapsley, D. K., & Lasky, B. (2001). Prototypic moral character. *Identity*, 1, 345-363.
- Matsuba, M. K., & Walker, L. J. (2004). Extraordinary moral commitment: Young adults working for social





پروفیسر شکارہ گل عالمی اور مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی